

نگاهی به اثر تازه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی درباره بازخوانی یکی از مهم‌ترین میراث تفسیری شیعه

«علوم قرآنی» در تفسیر تبیان شیخ طوسی

محمدحسین مروج کاشانی | قرآن نخستین و مهم‌ترین منبع تفسیر بوده و در آیات قرآن و روایات هم بر منبع بودن قرآن تأکید شده است. پیشوایان دین نیز در تفسیر قرآن از خود قرآن استفاده کرده‌اند. همچنین عده‌ای از شاگردان مکتب تفسیری اهل بیت عصمت و طهارت(ع)وبرخی دیگر از مفسران قرن‌های اول و دوم هجری قمری، آیه‌ها را مفسر یکدیگر قرار داده‌اند. تفسیر قرآن به زبان ساده و عمومی، به معنی دانش و فرایند فهم و توضیح معانی آیات قرآن است. بهانه پرداختن به این موضوع، انتشار کتابی با عنوان «علوم قرآنی در تفسیر تبیان شیخ طوسی(ره)» است. نویسنده این اثر، «علی اصغر آخوندی» عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شاهرود است و چاپ نخست آن چندی پیش در شمارگان ۱۰۰ نسخه، در قطع وزیری و ۲۱۴ صفحه، از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی راهی بازار نشر کتاب شد. به همین مناسبت در این گزارش به معرفی مختصر این اثر می‌پردازیم.

■ علوم قرآنی از نگاه نخستین تفسیر جامع شیعی

در متنی که از سوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی به عنوان ناشر در ابتدای این اثر آمده است، به این موضوع اشاره شده که از آغاز بن روزگاران تدوین علوم و معارف دین، علوم قرآنی توجه عالمان بسیاری را به خود جلب کرد.از همین رو، آنان گاه کتاب‌های مستقلی را به این مباحث اختصاص می دادندو در ضمن به تفسیر آن‌ها نیز می‌پرداختند. کتاب حاضر «علوم قرآنی در تفسیر تبیان شیخ طوسی(ره)» با رویکردی علمی، به بررسی و تبیین ۱۳مبحث مهم از علوم قرآنی در تفسیر التبیان، نخستین تفسیر جامع شیعی پرداخته است. در ادامه این متن تأکید شده که اثر پژوهشی حاضر، هم جایگاه شیعه را در تدوین این دانش نشان می‌دهد و هم ظرفیت‌های مغفول مانده آثار گذشتگان را روشن می‌کند.شناخت دیدگاه‌های شیخ طوسی(ره)در باب مفاهیمی چون نسخ، محکم و متشابه، قرائات،اعجاز،عدم تحریف،اسباب نزول و ساختار سوره‌ها، گامی در بازخوانی میراث تفسیری شیعه است.

■ استخراج مباحث علوم قرآنی بر اساس تفسیر تبیان

این کتاب، پژوهشی علمی و مستند درباره مبانی علوم قرآنی در «التبیان فی تفسیر القرآن» اثر ماندگار شیخ الطائفه محمدبن حسن طوسی(ره) است و نویسنده در آن، با مراجعه مستقیم به متن تفسیر تبیان، دیدگاه‌های شیخ طوسی(ره)را استخراج، دسته‌بندی و تحلیل کرده است. علی اصغر آخوندی، نویسنده این اثر در پیشگفتار این کتاب بیان می‌کند: «... بسیاری از مفسران شیعه، علوم قرآنی را

در ضمن مباحث تفسیری خود بیان کرده‌اند و امروز وظیفه استخراج این مباحث از تفاسیر قدما بر دوش ماست. کتاب حاضر در همین راستا گردآوری شده و هدف آن استخراج مباحث علوم قرآنی از نخستین تفسیر جامع و کهن شیعی یعنی «التبیان فی تفسیر القرآن از شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی(ره)» است....».

او ادامه می‌دهد: «این تحقیق شامل دو بخش بوده، بخش نخست، کلیات که خود دارای سه فصل است که عبارت‌اند از: «شرح حال شیخ»، «معرفی تفسیر تبیان» و «علوم قرآنی». بخش دوم با نام «علوم قرآنی در تفسیر تبیان» هم شامل ۱۳مبحث از علوم قرآنی مانند: بحثی درباره قرآن، سوره و آیه، محکم و متشابه، نسخ، اسباب نزول، قرائت، اعجاز قرآن، عدم تحریف آن، تقدیم و تأخیر و... است». مطابق اظهارات نویسنده این کتاب، در این اثر تلاش شده تمام موضوعات و مباحث علوم قرآنی که شیخ طوسی(ره) به نحوی در تفسیر خود به آن‌ها پرداخته است، جمع‌آوری شود. همچنین به منظور فضاسازی بحث و تبیین نظرگاه شیخ(ره)؛ از برخی کتاب‌های علوم قرآنی و آرای دیگر عالمان اسلامی استفاده شده است. ضمن اینکه در مواردی که دیدگاه شیخ(ره) با دیدگاه غالب علمای شیعه یکسان نیست، در پانویس این کتاب به آن اشاره شده است. نویسنده در تحلیل این مباحث نشان می‌دهد شیخ طوسی(ره) با نگاهی روشمند و علمی، بسیاری از مبانی علوم قرآنی را حدود هزار سال پیش تبیین کرده و زمینه شکل‌گیری و گسترش رویکردهای اجتهادی در مدرسه تفسیری شیعه را فراهم آورده است.

همچنین، این اثر افزون بر تبیین آرای شیخ طوسی(ره)، مخاطب را با روند تحول علوم قرآنی در سنت تفسیری شیعه آشنا می‌کند و دلایل ماندگاری و اعتبار تفسیر تبیان در پژوهش‌های قرآنی معاصر را مورد توجه قرار می‌دهد. شایان ذکر است، کتاب «علوم قرآنی در تفسیر تبیان شیخ طوسی(ره)» می‌تواند به عنوان منبعی کاربردی برای استادان، پژوهشگران، دانشجویان، طلاب و علاقه‌مندان به مطالعات علوم قرآن و تفسیر مورد استفاده قرار گیرد.

■ آشنایی مختصر با شیخ طوسی(ره)

در قسمتی از فصل اول از بخش نخست این کتاب و در باب شرح حال شیخ طوسی(ره) این‌گونه آمده است: «... ابوجعفر محمد بن حسن بن علی معروف به «شیخ طوسی(ره)» و «شیخ الطائفه» در ماه رمضان سال ۳۸۵ قمری در طوس متولد شد. او علوم مقدماتی و سطح و عالی فقه و اصول و حدیث و غیره را در طوس و دیگر شهرهای ایران فراگرفت و از این راه نبوغش شکوفا شد. ... وی در

سال ۴۰۸ قمری هنگامی که تنها ۲۳بهار از عمرش گذشته بود به بغداد مهاجرت کرد. هم‌زمان با ورود به بغداد به جرگه شاگردان دانشمند نامی آن روز بغداد، شیخ بزرگ شیعی «شیخ مفید»، پیشوای مذهب شیعه جعفری که در تمام دانش‌های عصر مهارت داشت پیوست.... در بین شاگردان شیخ مفید که دانشمندان بزرگی نیز بودند، هیچ یک شهرت و موقعیت شیخ طوسی(ره) را نیافتند... پس از شیخ مفید(ره)، زعامت دینی و ریاست مذهب شیعه به شاگردش علامه علم‌الهدی، سیدمرتضی(ره) رسید. شیخ طوسی(ره) ۲۳سال ملازم سیدمرتضی(ره) بود تا اینکه در سال ۴۳۶ قمری و بعد از ۸۰سال عمر گرانپا و ۲۳ سال [زعامت]بر دنیای شیعه و به جای گذاشتن تألیفات ارزنده و پرورش شاگردان برازنده، رخت به سرای باقی کشید... پس از سیدمرتضی(ره)، شیخ الطائفه شیخ طوسی(ره)، خود پیشوا و رئیس مذهب و چون علّمی برای شیعه و چراغی برای دین گردید.... و تعداد شاگردانش از مجتهدان شیعه به ۳۰۰تن رسید.... آنچه مسلم است اینکه شیخ طوسی(ره)پایه‌گذار حوزه علمیه هزارساله نجف اشرف است که به صورت بزرگ‌ترین دانشگاه در جهان اسلام درآمد و در خلال قرن‌های متوالی هزاران نویسنده و عالم از بزرگان دین و اعظم فقها و فلاسفه ارجمند و متکلمان گرانقدر و مفسران فاضل... از آن دانش‌آموخته شدند... شیخ‌طائفه طوسی(ره)، ۱۲سال تمام در نجف اشرف به تدریس، تألیف، هدایت، ارشاد و دیگر وظایف و تکالیف شرعی مشغول بود و سرانجام در ماه محرم الحرام سال ۴۶۰ قمری و در سن ۷۵سالگی بدردو حیات گفت و بنا بر وصیت خود در خانه مسکونی‌اش در شهر نجف اشرف دفن شد....».

در قسمت دیگری از این مطلب بیان شده است: «...در میان دانشمندان شیعه کمتر عالمی را می‌توان یافت که به اندازه شیخ طوسی(ره) بر همه علوم و فنون احاطه و تسلط داشته و آثار ارزنده وی همگی مورد توجه تمام طبقات دانشمند واقع شده باشد... اهمیت شیخ الطائفه طوسی(ره) در این است که با همه تقدم زمانی‌ای که نسبت به آنان دارد در تمامی علوم اسلامی متداول عصر [مانند] فقه، اصول، کلام، تفسیر، حدیث رجال، فهرست و... چنان آثار پرمغز و برجسته‌ای دارد که در تمام دوران هزار ساله شیعه، همواره مورد استفاده فقها، دانشمندان، مجتهدان و... بوده و دو کتاب از کتاب‌های چهارگانه معتبر شیعه یعنی «تهذیب الاحکام» و «استبصار» از شیخ الطائفه طوسی(ره) است... این مختصر شرح حال مردی بزرگ از سلسله عالمان و مجتهدان شیعه است، مردی که بحق عنوان «شیخ الطائفه و رئیس الفرقة المحققة» را به خود اختصاص داده است....».

درسی از سخن پیامبر اکرم(ص) برای شاد زیستن در کنار تفاوت‌ها

آرامش پایدار در سایه مهربانی‌های کوچک

با یاکاری، بی انصافی یا عهدشکنی است و خروجی رفتاری فرد را پاک و پایدار نگه می‌دارد.

■ مدارا نشانه هوش و تضمین سلامت جمعی است

ویژگی دوم که پیامبر اکرم(ص) آن را ضامن سلامت فرد و اجتماع معرفی کرده و تنظیم‌کننده حیات اجتماعی ماست، مدارا و انعطاف است. در نظر نخست، شاید انعطاف و مدارا نوعی انفعال یا عقب‌نشینی به شمار آید، اما تعالیم اولیای دین آن را نشانه اوج عقلانیت معرفی می‌کنند. چنان‌که در توصیه به مدارا از امام علی(ع) ذکر شده است: «مَثَرَةُ الْعَقْلِ مُدَارَةُ النَّاسِ». میوه خرد مدارا کردن با مردم است.»(غرر الحکم: ۴۶۹)

در بسیاری از پژوهش‌های کنونی، نشانه هوش بالای افراد در تعامل سازنده و مثبت با افراد اجتماع معرفی می‌شود، زیرا می‌دانیم جامعه انسانی آمیزه‌ای از تفاوت‌های سلیقه‌ای، فرهنگی، فکری و خلقی است. یک قلب سلیم و مهربان که با نگاه دینی به دیگران نگاه می‌کند طبیعتاً میل به نرم‌خوبی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دارد، اما این رویکرد تنها حس و عاطفه ایمانی و برادرانه نیست که به سازش و نرمی فرمان می‌دهد؛ عقل انسان نیز حتی در حالت محاسبه‌گر امر می‌کند که هیچ نظام جمعی پایداری بدون گذشت، چشم‌پوشی و مدارا سامان نخواهد یافت.

با نگاه به آموزه‌های روایی و توصیه‌های بزرگان دینی معاصر هم وسعت دامنه مدارا در آموزه‌های دینی چنان است که اختصاص به همفکران ندارد. از امام صادق(ع) پرسیده شد که معنای این آیه از قرآن که امر به سخن نیکو با مردمان دارد چیست؟ «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم نیک سخن گوید».(بقره: ۸۳)

ایشان در تبیینی جامع و راه‌گشا پاسخ داد: «أَيُّ النَّاسِ كُلِّهِمْ مُؤْمِنٌهُمْ وَمُخَالِفُهُمْ. أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَسُبُّطُ لَهُمْ وَجْهُهُ وَأَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيُكَلِّمُهُمُ بِالْمَدَارِ إِلَّا حَيْثُ دَانِيَهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ فَإِنَّهُ يَأْسِرُ مِنْ ذَلِكَ يَكْفُ شُرُورَهُمْ عَنْ نَفْسِهِ وَعَنْ إِخْوَانِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ مقصود، همه مردمان اعم از مؤمن و مخالفان است. اما با مؤمنان باید گشاده‌رو بود و اما با مخالفان باید به نرمی و مدارا سخن گفت تا به سوی ایمان کشیده شوند و کمترین تشرش این است که خود و برادران مؤمن‌شان را از گزند آنان مصون می‌دارد».

این نگرش دینی و واقع‌بینانه نشان می‌دهد حسن خلق و مدارا هم راهبرد تربیت و

جنب‌دیگران به حقیقت است و هم سیر دفاعی مطمئنی برای دفع شر و کاستن از هزین‌های اصطکاک بیهوده اجتماعی. مرور تجارب شخصی خود ما نیز گواهی روشن بر همین اصل است؛ چه بسیار گره‌های کوری که بایک کلام نرم‌باز می‌شدند و چه بسیار سوءتفاهم‌ها و کدورت‌هایی که اگر با مدارا بر خورد می‌شد در دام خشم و نفرت پراکنی گرفتار نمی‌شدند.

■ مدیریت فضا به نفع رشد و آرامش، ملاک حلم است

سومین ضلعی که در این حدیث گهربار از حضرت محمد(ص) مطرح شده

زنده شدن مردگان، بدیهی است که هر کدام از این معجزات امری موقت و زودگذر بوده است، اما معجزه اصلی حضرت خاتم پیامبران(ص) کتاب او است. کتاب او در آن واحد هم کتاب است و هم برهان رسالتش. به همین دلیل آخرین معجزه، بر خلاف سایر معجزات، جاویدان و باقی است، نه موقت و زودگذر....».

همچنین در پایان به بیان نظر شیخ طوسی(ره) در بحث «وجه اعجاز قرآن» که در این کتاب آمده است اشاره می‌کنیم: «... شیخ طوسی(ره) وجه اعجاز قرآن را در فصاحت و بلاغت و نظم مخصوص آن می‌داند. وی در ذیل آیه ۱۳ از سوره مبارکه هود که می‌فرماید: أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَاذْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ ذُنُوبِ اللّٰهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ یعنی «...یا می‌گویید این [قرآن] را به دروغ ساخته است، بگو اگر راست می‌گویید، ۱۰سوره بر ساخته شده مانند آن را بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فراخوانید...» می‌نویسد که در آن دلالتی بر وجه اعجاز قرآن است و آن فصاحت در این نظم مخصوص است؛ چرا که اگر غیر این بود، در هم‌آورد طلبی به افترا و دروغ‌گویی قناعت نمی‌ورزید....».



و کمال عمل را تضمین می‌کند، حلم و بردباری در برابر برخوردهای جاهلانه و رفتارهای غیرعقلانی دیگران است. اما تفاوت حلم با مدارا در این است که حلم دقیقاً در بزنگاه مواجهه با خطا، جسارت یا تندبی ناشی از کم‌دانشی طرف مقابل باید در رفتار انسان بروز و ظهور پیدا کند. هنگامی که آگاه باشیم ریشه یک واکنش تند یا نامعقول، در ناآگاهی طرف یا هیجان مقطعی یا افق محدود نگرش فرد مقابل است، آشفتگی و عصبانی شدن از سر احساسات تنها آتش دعوادرگیری را شعله‌ورتر نمی‌کند.

به غیر از فرد مؤمن که دیدی معادن‌گرانه به همه امور این دنیا و کارهای خود و دیگران دارد انسانی که دید وسیع‌تری نسبت به عواقب امور دارد، با تکیه بر صبر خود با وقار و سکوت معنادار یا پاسخی سنجیده، موقعیت را در دست می‌گیرد و اجازه نمی‌دهد نادانی و هیجانات منفی دیگری رفتارشار را تعیین کند. مهار فضا از طریق خشم و پرخاش نه تنها کارگشا نیست، بلکه حتی اگر دیگران را در لحظه به سبب ترس به سکوت یا همراهی دروغی وادار کند، تأثیری ساختگی و شکننده دارد و با از بین رفتن اهرم فشار، فرد بار دیگر به همان موضع قبلی بازخواهد گشت، بدون آگاهی از کار نادرست و یا تغییریی در اندیشه و عملش.

■ بازتاب اصول در کانون خانواده و گره‌گشایی از جان‌ها

با سه اصلی که پیامبر(ص) مطرح کرد و مفهوم هر کدام از آن‌ها آشنا شدیم اما همچنان که مشت نمونه خروار است حیطه عمل ما در جامعه کوچک خانواده نیز می‌تواند تعیین‌کننده رفتار ما در جامعه بزرگ‌تر باشد. این قواعد سه‌گانه باید اول در امن‌ترین کانون یعنی خانواده به آزمون گذاشته شوند. در خانه و در میان نزدیکان، پابندی متعصبانه به جزئیات کم‌اهمیت و پافشاری بر اینکه همه مسائل خرد و کلان مطابق سلیقه یک نفر حل و فصل شود، حاصلی جز فرسایش روان و انباشت دلخوری ندارد. اگر مقصود بنیادین از پیوند و کنار یکدیگر زیستن، ایجاد آرامش، شادکامی، تقویت یکدیگر و پیشبرد سالم امور زندگی است، تفاوت در روش‌ها و سلیقه‌ها نباید بنیان‌های عاطفی را تهدید کند. تا زمانی که معیار ما عمل در چارچوب حدود الهی و موازین شرعی قرار بگیرد، شیوه و جزئیات اجرای آن نیازمند انعطاف و پذیرش تفاوت‌هاست؛ راهکاری که نه تنها مانع درگیری و نزاع می‌شود، بلکه فضایی آکنده از سرور و همدلی به وجود می‌آورد که رفته‌رفته به سازش، فهم و درک یکدیگر خواهد رسید. در اقق ترسیم‌شده در دین اسلام، هدف از مدارا و شکیبایی تنها پیشگیری از تنش نیست، بلکه هدف آن نشان دادن لبخند رضایت و شادمانی بر جان انسان‌هاست. پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی(ص) می‌فرماید: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ؛ کسی که مؤمنی را مسرور کند مرا مسرور کرده و کسی که مرا مسرور کند خدا را مسرور کرده است.»(کافی، ج۲، ص ۱۸۸، ج۱) این مفهوم عمیق از شادمانی نشان می‌دهد وقتی مؤمن با رهیز از لجاجت بر سر امور فرعی، سعه صدر به خرج دهد و با رفتاری آرامش‌بخش، بستری از شادی و اطمینان خاطر برای خانواده و برادران ایمانی خود فراهم آورد، در حقیقت در والاترین میدان اطاعت قدم برداشته است؛ میدانی که در آن، خشنودی خلق با خشنودی خدای تعالی و سرور رسول خلاص(ص) پیوند خورده است. در اینجا اعمال و مجاهدت‌های فردی از خطر تباهی و بی‌اثری در امان می‌مانند.